

می‌کند. وی کاراکتری است که خودش را آمولف هیتلر واقعی می‌کند و مدعی می‌شود مردی که در روزهای پایان جنگ جهانی دوم در برلین خودکشی کرد، یکی از اعضای گارد ویژه بوده که شباهت فراوانی به وی داشته است. لراشتال گفت: قصدش از ساختن فیلم این بوده که بگوید که بگوید هنوز هم هیتلر های زیادی در گوشه و کنار جهان زندگی می‌کنند. جشنواره برلین قصد دارد سال آینده، سی امین سالگرد خود را به صورتی ویژه استثنایی برگزار کند. جشن بزرگ جشنواره برلین، سال آینده در

کنار ویرانه های دیوار برلینپ رگزار خواهد شد. برای ائی منظور، مسئولین جشنواره اعلام کرده اند که سال آینده فیلم های برتر تولید شده در سال ۹۷ در بخش مسابقه حضور خواهند داشت. بیش از صد چهره سرشناس عالم سینما ز سراسر جهان به جشن بزرگ جشنواره برلین دعوت می شوند. گفته می شود این حرکت جشنواره برلین، نوعی جوابیه به جشنواره بین المللی کن است که ماه مه (اواخر اردیبهشت سال ۷۶) پنجاهمین سالگرد تاسیس خود را با شکوه تمام جشن می گیرد.

در اصل برای پل نیومن بازیگر آمریکایی در نظر گرفته شده بود. اما فلینی سرسختانه مقاومت کرد و گفت ماسترویانی باید ایفای این نقش را به عهده بگیرد. بزودی فلینی حکم مشاور و خط دهنده اصلی فعالیت های ماسترویانی را پیدا کرد.

و همکاری حرفه ای این دو در طول دهه شصت و هشتاد میلادی ادامه پیدا کرد.

ماسترویانی ۲۸ سپتامبر سال ۱۹۲۳ در یک خانواده دهقان در بخش کوهستانی جنوب شرقی رم به نام فونتانا لویو به دنیا آمد. هنوز کودکی پیش نبود که خانواده به بخش صنعتی شهر در شمال و سپس به رم کوچ کرد. در همین جا بود که او تصمیم گرفت یک آرشیتکت شود.

نوزده ساله بود که توسط نیروهای ارتش اردوگاه کار اجباری در شمال ایتالیا فرستاده می شود. او از اردوگاه فرار کرده و به ونیز می رود. در آنجا به کار طراحی و نقاشی از مناظر طبیعی می پردازد و با فروش آن به توریست ها گذران زندگی می کند.

با پایان یافتن جنگ به رم برمی گردد و در آنجا به عنوان کارمندی ساده مشغول کار می شود. شبها همراه با کمپانی تئاتری دانشگاه رم در نمایش های نیمه حرفه ای ظاهر می شود.

سال ۱۹۲۷ برای نخستین بار روی پرده سینما ظاهر می شود. این فیلم یکی از ورسیت های متعددی است که بر اساس کتاب بینوایان نوشته ویکتور هوگو ساخته شده است. یک سال بعد در نمایشی حرفه ای بازی می کند که جولیتا ماسینا همسر فلینی هم در آن بازی دارد. بازی در این نمایش مقدمات آشنایی بعدی با فلینی را فراهم می کند.

ماسترویانی سه بار نامزد دریافت جایزه اسکار شد و دو بار جایزه بهترین بازیگر جشنواره کن را گرفت. اولین بار سال ۱۹۶۰ این جایزه بخاطر فیلم زندگی شیرین به او داده شد. دومین بار او این جایزه را برای بازی در فیلم چشمان سیاه ساخته نیکیتا یینی لکف در سال ۱۹۸۷ گرفت. این فیلم بر اساس چند قصه کوتاه از آنتوان چخوف ساخته شده است.

وی هنگام مرگ در پاریس ساکن و مشغول کار تئاتر بود. پس از مرگ او اعلام شد که جسد وی به ایتالیا منتقل می شود. مراسم تشییع جنازه ماسترویانی با شکوه تمام برگزار شد. لوتیچی اسکار اسکالفارو و رومانو پرودی رییس جمهور و نخست وزیر ایتالیا در جلوی صف عظیم تشییع کنندگان جسد بازیگر بودند. در بین تشییع کنندگان هزاران تن از مردم عادی رم - که بیشتر آدم های سن و سال دار بودند - به چشم می خورد.

در کنار چشمه مشهور تروی پارچه ای یا شعار رم بخاطر مارچلو نصب شده بود. این همای چشمه ای است که یکی از سکانسهای مهم فیلم زندگی شیرین در آنجا فیلمبرداری شد.

## هنوز احساس جوانی می کنم به مناسبت درگذشت مارچلو ماسترویانی



مارچلو ماسترویانی بازیگر ایتالیایی که با فیلم هایش قلب میلیونها تماشاچی را در سراسر جهان تسخیر کرده بود، در سن ۷۲ سالگی در پاریس درگذشت.

ماسترویانی با بازی در فیلم زندگی شیرین در سال ۱۹۶۰ به شهرتی بین المللی رسید و در طول نزدیک به نیم قرن در ۱۶۰ فیلم مختلف به ایفای نقش پرداخت. شاید به همین جهت بود که دانیل فوسکان تهیه کننده اروپایی درباره اش گفت: «او یکی از بزرگترین بازیگران ۵۰ سال گذشته اروپا است.»

علیرغم بیماری سخت، ماسترویانی تا لحظه مرگ در حال کار بود. آخرین فیلمش را در پرتغال چند ماه قبل بازی کرد و پس از آن بلافاصله به کار تئاتر پرداخت. تئاتری که کارگردانش فیوربو پودون هنرمند ایتالیایی بود. قبل از اینکه نمایش به روی صحنه برود به خبرنگاران گفت:

حقیقت این است که من در اعماق وجودم، هنوز احساس می کنم نه تنها جوان، بلکه حتی یک کودک هستم. تماشاگران ایتالیایی در زمان شروع کار بازیگری ماسترویانی خیلی سریع به او لقب جوان ماجراجوی دوست داشتی دادند، چرا که او چهره تازه ای از یک مرد ایتالیایی را روی پرده سینما به نمایش گذاشت. او در کنار سوفیالورن در ۱۲ فیلم مختلف سینمایی در نقش زوج جوانی ظاهر شدند که باید با مصائب و مشکلاتی که در سطح جامعه ایتالیایی پس از جنگ وجود دارد مبارزه کنند.

به گفته منتقدین اگرچه ماسترویانی با بسیاری از فیلمسازان مطرح سینمای ایتالیا همکاری کرد، اما او شهرت خود را مدیون فدریکو فلینی - مطرحترین فیلمساز سینمای ایتالیا - است. نقشی که او در فیلم زندگی شیرین بازی کرد

جسد ماسترویانی روز قبل از تشییع طی مراسم خاصی از فرانسه توسط کاترین دونو (همسر دوم بازیگر) و شیرا ماسترویانی (فرزند مشترک این دو که بازیگر سینما شده است) به ایتالیا آورده شد. تابوت ماسترویانی با گل های مختلف پوشیده شده بود. مطبوعات به یک دسته بزرگ گل آرکیده بر روی تابوت اشاره کردند که توسط سوفیا لورن و همسرش کارلوپونتی به رسم احترام گذاشته شده بود.

۱۰. در صف اول بجز رییس جمهور، نخست وزیر و وزیر فرهنگ کشور، چهره های سرشناسی و وزیر فرهنگ کشور، چهره های سرشناسی چون میکال انجلو آنتونیونی نیز دیده می شد.

ماسترویانی در جشن تولد ۷۰ سالگی اش گفته بود که هیچ خیال بازنشستگی ندارد: می خواهم تا سال ۲۰۰۰ زندگی کنم و در ۶۰ یا ۷۰ فیلم دیگر بازی کنم.

رسانه های گروهی ایتالیا به دنبال اعلام خبر مرگ ماسترویانی در سطح وسیعی به بازتاب این خبر پرداختند. کوریه را دلاسر نوشت:

«بدرود مارچلو، تو زندگی ما را شیرین کردی» و گفت ایتالیا قبل از اینکه یک ستاره را از دست بدهد یک دوست را از دست داد.

یکی از روزنامه های محلی نه صفحه اول خود را به ماسترویانی و شرح حال او اختصاص داد. شاید بهترین ستایش را روزنامه ریپابلیکا با طرحی که چاپ کرد، نثار این بازیگر کلاسیک کرد. در طرح این روزنامه مرحوم فلینی - که سال ۹۲ درگذشت - بر روی ابرها درواچ آسمان دیده می شود که مارچلو ماسترویانی را به سوی بهشت راهنمایی می کند. در زیر طرح به نقل قول از فلینی به زبان انگلیسی نوشته شده است، بیا مارچلو اینجا شگفت انگیز است.

ایستگاههای تلویزیونی ایتالیا نیز تکه هایی از مجموعه فیلم های او را ضمن معرفی آثار و کارهایش به نمایش گذاشتند.

آنچه هنرمندان دربارہ مارچلو ماسترویانی گفتند:

چک لمون: من بسیار غمگین هستم، زیرا او را بعنوان بازیگری بسیار مستعد، بخشنده و شیرین می شناختم.

سوفیالورن: احساس می کنم نیمی از وجودم مرده است. پس از مرگ مادرم این دومین باری است که احساس غم و اندوه فراوان می کنم.

آنیتا آکبرگ: او بازیگری بزرگ بود چرا که همیشه خودش بود.

ژاک شیراک رییس جمهور فرانسه: مرگ ماسترویانی یک ضایعه عظیم است.

آلن ژوپ (نخست وزیر فرانسه)، او فرانسوی ترین بازیگر ایتالیایی بود. شوخ طبعی و استعداد ماسترویانی از او شخصیتی استثنایی در نیمه دوم قرن بیستم خلق کرد.

مونیکا ویتی: ماسترویانی یکی از معدود

بازیگران دلچسب و خوش قلب سینما بود. او دوست بزرگی بود و من احساس می کنم با مرگ او چیزهای زیادی از دست داده ام.

لویجی اسکار اسکالفارو (رییس جمهور ایتالیا)، در تکرارش به همسر ماسترویانی: به نام تمام ملت ایتالیا به شما تسلیت می گویم. ملت ایتالیا مردی را از دست داده است که دوستش می داشت و او را تحسین می کرد.

فیلیپ دوسته پلازی (وزیر فرهنگ فرانسه): مارچلو ماسترویانی در طول دوران بازیگری خود تبدیل به اسطوره ای سینمایی شد و امروز فرهنگ فرانسه نسبت به این چهره استثنایی فرهنگ ایتالیا احساس احترام می کند.

مارکوفره ری: او نمرده است. در دل تاریخ سینمای ایتالیا ماسترویانی ها و فلینی ها زنده اند. والتر والترونی (وزیر فرهنگ ایتالیا): او شخصیتی غنی داشت که با انسان گرایی اش کره خورده بود. او هم چنین بازیگری بزرگ بود که می توانست هر نوع نقش و کاراکتری را ارائه دهد.

فرانچسکو رزی: مارچلو به غم ها و شادیهای بزرگی زندگی علاقه یکسانی داشت او همیشه نگاهی به جلو داشت و آدمی روراست بود، چرا که عاشق حقیقت بود.

اتوره اسکولا: مارچلو ماسترویانی تنها بازیگر دوران طلایی سینمای ایتالیا نیست، او یکی از آن بازیگران بزرگی است که در صنعت سینمای جهان می توان پیدا کرد. او یک اروپایی واقعی بود که با بهترین فیلمسازان بین المللی همکاری کرد.

فیلم نگاری ماسترویانی در طول سالهای فعالیت هنری خود در نزدیک به ۱۶۰ فیلم بازی کرد. فیلم نگاری زیر تعدادی از فیلم های مهم و معروف وی را معرفی می کند:

بینویان (۱۹۳۷) خاطرات دلدادگان بیچاره (۱۹۵۴) بیگامو (۱۹۵۴). همسر زیبای میلر (۱۹۵۵) شب های سفید (۱۹۵۷) زندگی شیرین (۱۹۶۰) آنتونیوی زیبا (۱۹۶۰) شب (۱۹۶۱) طلاق به سبک ایتالیایی (۱۹۶۱) ماجرای کاملا خصوصی (۱۹۶۲) خاطرات خانوادگی (۱۹۶۲) هشت و نیم (۱۹۶۳) کوتاه ترین روز (۱۹۶۳) دیروز امروز فردا (۱۹۶۳) ازدواج به سبک ایتالیایی (۱۹۶۳) کازانورا (۱۹۶۵) ارواح به سبک ایتالیایی (۱۹۶۷) بیگانه (۱۹۶۷) گل افتابگردان (۱۹۶۹) رم فلینی (۱۹۷۱) همسر

کشیش (۱۹۷۱) چی؟ (۱۹۷۲) کشتار در رم (۱۹۷۲) آلونسافان (۱۹۷۲) بر پلکان قدیمی (۱۹۷۵) چقدر یکدیگر را دوست داشتیم (۱۹۷۵) تو دو مودو (۱۹۷۶) خانم ها و آقایان شب به خیر (۱۹۷۲) یک روز بخصوص (۱۹۷۷) خداحافظ میمون (۱۹۸۷) همان طور که هستی بمان (۱۹۷۸) راه بندان (۱۹۷۹) شهر زنان (۱۹۷۹) تراس (۱۹۸۰) پوست (۱۹۸۰) پشت در (۱۹۸۲) و کشتی به راهش ادامه می دهد (۱۹۸۲) انریکدی چهارم (۱۹۸۲) ماکارونی (۱۹۸۵) جینجر و فرد (۱۹۸۶) پرورش دهنده زنبور عسل (۱۹۸۶) مصاحبه

**جناب آقای نادر رجب پور**  
درگذشت پدر گرانبایان را به جنابعالی تسلیت می گویم و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.  
ماهنامه سینما تئاتر

**جناب آقای نادر رجب پور**  
ما را در غم از دست دادن پدر عزیزتان سهم بدانید.  
گروه نمایش عروج - دکتر علی منتظری - دکتر محمود عزیزی - اصغر فریدی ماسوله - سعید داخ - مسعود زرین قلم - ویکتوریا الله وردی.

**استاد اکبر رادی**  
"مادر" معنای بودن ماست! اما بازگشت همه ما بسوی اوست.  
ما از صمیم قلب شریک غم شما هستیم. امید که سبز بمانید.  
ماهنامه سینما، تئاتر

**جناب آقای اکبر رادی**  
ما از صمیم قلب شریک غم شما هستیم. از درگاه ایزد یکتا خواهانیم که به شما صبر عطا فرماید. فقدان مادر در سبز بهار سخت است. اما بازگشت همه ما بسوی اوست.  
حسین فرخی

**استاد گرانقدر جناب آقای اکبر رادی**  
نرگس ها پشت پنجره بودند که مادر به میهمانی خدا رفت. زمین سبز بود و ما سیاه پوشیدیم تا شریک غم شما باشیم. از ایزد منان خواهانیم که به شما صبر و به آن مرحومه علو درجات عطا فرماید. امید که سالهای سال سبز و سلامت و سعادت مند بمانید.  
نصرت الله قادری